

بسم الله الرحمن الرحيم

تعلیق تدبیر، مطالعه جامعه‌شناختی کنش‌گران خرد بازار سهام در مشهد

محمدجواد یداللهی زاده

(دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

**mjyadollahi@gmail.com**

علی اکبر مجدی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد،

مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

**majdi@um.ac.ir**

محسن نوغانی دخت بهمن (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه

فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

**noghani@um.ac.ir**

چکیده

در حد فاصل سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹، شاهد صعود و سقوط شدید بازار سهام در ایران بوده‌ایم، پژوهش حاضر مبتنی بر روش نظریه‌زمینه‌ای، به دنبال بررسی این امر است که از منظر کنش‌گران خرد بازار سهام در مشهد، کلیت پدیده رخ داده در این بازار در طی سال‌های ۱۳۹۸ الی ۱۳۹۹ چگونه توصیف و تبیین می‌شود؟ هدف از این مطالعه ارائه تحلیلی جامعه‌شناسانه از صعود و سقوط شدید بازار سهام در ایران است که این امر اثرات فراوانی بر اقبال مختلف جامعه ایرانی گذاشته است. برای پاسخ به پرسش اصلی تحقیق ۴ سویه نظری در جامعه‌شناسی اقتصادی در جهت حساسیت نظری مورد توجه قرار گرفته است و سپس ۲۵ مصاحبه باز با کنش‌گران خرد در شهر مشهد صورت پذیرفته است. از تحلیل متن پیاده شده این مصاحبه‌ها، ۲۳۸ مفهوم و سپس ۲۵ مقوله ابتدایی و پس از آن ۱۱ مقوله اصلی شناسایی شده است. مقوله هسته در پژوهش حاضر «تعلیق تدبیر» است و ۱۰ مقوله دیگر در قالب شرط علی، شرط زمینه‌ای، شرط مداخله‌گر، تعاملات و پیامدها قرار گرفته‌اند. ایده اصلی این پژوهش آن است که از منظر کنش‌گران خرد در شهر مشهد، با تأثیرپذیری از «روایت ثروتمند شدن و رویای ثروت» / «در نظر گرفتن آرزو و امیال به مثابه واقعیت» به مثابه شرط علی، «خارج شدن بازار از روند طبیعی» / «

تجربه هیجانات و احساسات متناقض» به مثابه شرط مداخله گر، «تصور تحلیل و پیش‌بینی ناپذیری بازار»/ «ضرورت کسب درآمد بیشتر» به مثابه شرط زمینه‌ای منجر به پدیده «تعطیل تدبیر» شده است و در قبال این امر کنش‌گران خرد راهبرد کسب ثروت سریع را انتخاب کردند و پیامد «تعطیل تدبیر»، «تجربه شکست»/ «شکل‌گیری دوگانه ما (مردم: بازنده‌ها) و آن‌ها (دولت و حقوقی‌ها: برنده‌ها)» و در نهایت «عدم اعتماد» فعلی به بازار سهام شد.

کلیدواژه‌ها: بازار سهام، تعطیل تدبیر، کنش‌گران خرد، جامعه‌شناسی اقتصادی

### **Tadbir suspension, a sociological study of small stock market actors in Mashhad**

#### **Abstract**

The task of economic sociology is to investigate the relationship between the social and the economic. Between the years 2018 and 2019, we have witnessed the sharp rise and fall of the stock market in Iran, therefore, economic sociology is responsible for analyzing the social dimensions of this phenomenon. The current research, based on the foundation's data theory method, seeks to investigate the fact that, from the perspective of the small actors of the stock market in Mashhad, how is the totality of the phenomenon that occurred in this market during the years 2018-2019 described and explained? To answer this question, 4 theoretical strands in economic sociology have been considered for theoretical sensitivity, and then 25 open interviews were conducted with micro activists in Mashhad. From the text analysis of these interviews, 238 concepts and then 25 primary categories and then 11 main categories have been identified. The core category in the current research is "suspension of planning" and 10 other categories are placed in the form of causal condition, contextual condition, intervening condition, interactions and consequences. The main idea of this research is that from the point of view of micro activists in the city of Mashhad, influenced by the "narrative of getting rich and the dream of wealth"/"considering wishes and desires as reality" as a causal condition, "the departure of the market from the natural process"/"experiencing conflicting emotions and feelings" as an intervening condition, "imagining the analysis and unpredictability of the market"/"the need to earn more money" as a background condition has led to the phenomenon of "suspension of planning" and in response to this, the actors of the wisdom of the acquisition strategy They chose quick wealth and the consequence of "suspension of planning", "experience of failure"/"dual formation of us (people: losers) and them (government and legal: winners)" and finally the current "distrust" in became the stock market.

Keywords: stock market, tadbir suspension, micro-actors, economic sociology

بررسی ابعاد اجتماعی بازارهای مالی، از مهم‌ترین دغدغه‌های جامعه‌شناسی اقتصادی است، در واقع جامعه‌شناسی اقتصادی به دنبال یکی آن است که نشان دهد، بیش از آنکه اقتصاددانان تصور می‌کنند، امور اقتصادی متأثر از امر اجتماعی هستند (استینر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). بر این اساس، در این رشته تلاش می‌شود به بازارهای اقتصادی از زاویه امر اجتماعی نگاه شود. یکی از بازارهای مهم که از دیرباز مورد توجه جامعه‌شناسان بوده است، بازار سهام است. به نوعی می‌توان گفت اولین برخوردهای جامعه‌شناسان کلاسیک با امر بازار، بازار سهام در غرب بوده است. (هادسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰)

با توجه به آنکه بازار سهام به عنوان عاملی مهم برای رشد اقتصادی تلقی می‌شود، در طی دهه‌های اخیر بازار سهام در کشورهای مختلف از اهمیت بسیار بیشتری نسبت به گذشته برخوردار شده است و در سال‌های اخیر در ایران نیز به آن اقبال زیادی نشان داده شده است. مبتنی بر دانش جامعه‌شناسی اقتصادی، هر امر اقتصادی دارای ابعادی اجتماعی است که بر آن تاثیرگذار است و به آن شکل می‌دهد (کریپنر<sup>۳</sup> و آلوارز<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵). از این رو بررسی ابعاد اجتماعی بازار سهام در ایران می‌تواند به عنوان یک موضوع مهم از سوی جامعه‌شناسی اقتصادی قلمداد شود.

در ایران تکانه‌های اقتصادی و دوره‌های رونق و رکود معمولاً با نرخ تورم ارتباط مستقیم دارد و به طور معمول، هنگام افزایش تورم دوره‌های رونق پدید می‌آید و در دوران سیاست‌های انقباضی، دوره‌های رکود ایجاد می‌شود (سارنج و همکاران، ۱۳۹۶). مطابق با آمارها، در سه سال مورد نظر تحقیق (۱۳۹۸ الی ۱۳۹۹) و خصوصاً در سال ۱۳۹۹، بازار سهام در ایران، با رشد بسیار چشمگیری همراه بوده است و از سوی دیگر، تقریباً از نیمه دوم سال ۹۹ این بازار با سقوط همراه شده و دوره رکود رخ داد. بر این اساس، در سه سال مورد نظر در پژوهش حاضر (۱۳۹۸ الی ۱۳۹۹) هم دوران رونق و هم دوران رکود در این بازار را به خوبی قابل مشاهده است.<sup>۵</sup>

1. Steiner
2. Hudson
3. Krippner
4. Alvarez

<sup>۵</sup>اطلاعات جامعی پیرامون بازار سهام در این زمینه قابل دسترسی است.

صعود و سقوط شدید در بازارهای مالی می‌تواند مشکلات متعددی چه برای کنش‌گران در این بازارها و همچنین برای اقتصاد کلان کشور پدید بیاورد (کارلسون<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶). و بازار سهام در طی سال‌های ۱۳۹۸ الی ۱۳۹۹ بیشترین درصد صعود و ریزش را در دوران خود تجربه کرد. در سال ۱۳۹۹ شیب این صعود و سقوط بیش از سال‌های دیگر بوده است که اعم اتفاقات مهم در تصویر زیر بیان می‌شود، در ماه‌های ابتدایی سال ۱۳۹۹، شاخص بورس ۴ برابر شده و سپس در ۷ ماه انتهایی سال شاخص بازار سهام ریزشی ۴۰ درصدی را تجربه کرد. در جدول زیر شاخص کل در انتهای هر ماه در سال ۱۳۹۹ و میزان افزایش و کاهش آن مشخص شده است:

جدول ۱- صعود و ریزش ماهانه بازار سهام در سال ۱۳۹۹

منبع: <https://www.tsetmc.com/>

ماه	شاخص کل	درصد افزایش یا کاهش
فروردین	۶۹۰,۰۳۷	
اردیبهشت	۹۸۶,۷۵۹	+ ۴۲
خرداد	۱,۲۷۰,۶۲۷	+ ۲۹
تیر	۱,۹۱۶,۱۹۴	+ ۵۱
مرداد	۱,۷۵۷,۲۲۹	- ۸
شهریور	۱,۵۹۵,۱۶۰	- ۹
مهر	۱,۴۱۲,۳۵۴	- ۱۱
آبان	۱,۳۴۵,۳۰۱	- ۵
آذر	۱,۴۳۹,۱۲۴	+ ۷
دی	۱,۱۵۰,۲۲۵	- ۲۰
بهمن	۱,۲۳۸,۳۵۷	+ ۸
اسفند	۱,۳۰۷,۷۰۷	+ ۵

<sup>۶</sup>. Carlson

در زمینه صعود و سقوط شدید بازار سهام مسئله آن است که چگونه می‌شود که سهامداران ناگهان در بازار سهام دست به خریدهای هیجانی می‌زنند و قیمت‌ها افزایش بسیار زیادی می‌کند و سپس ناگهان همه سودها از دست می‌رود و افراد بسیاری ورشکست می‌شوند، تحقیق حاضر به دنبال بررسی این مسئله از منظر جامعه‌شناسی اقتصادی و با توجه به کنش‌گری سهامداران خرد در شهر مشهد است.

بر این اساس مسئله‌مندی تحقیق را چنین می‌توان صورت‌بندی کرد: تکانه‌های شدید شاخص بازار سهام، ورود و خروج هیجانی کنش‌گران به بازار، دخالت شدید سیاستگذار و سایر عوامل سبب شد تا بازار بورس از محملی برای تامین نقدینگی برای شرکت‌ها و در نتیجه رشد اقتصادی کشور، خارج شود و تبدیل به بازاری برای برآورده کردن رویای یک شبه پولدار شدن شده است که نتیجه این انگاره پیرامون بورس، ریزش شدید این بازار و خروج نقدینگی از آن شد.

آنچه این تحقیق بر عهده دارد، مبتنی بر روش نظریه زمینه‌ای، توصیف و تبیین فرایند رخ داده در میدان بازار سهام از منظر کنش‌گران خرد بازار سهام در مشهد است.

## ۲. مرور پیشینه

جهانگیری راد و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «بررسی رفتار گروهی سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران» به این مسئله پرداخته‌اند که رفتار گروهی در بورس تهران چگونه شکل می‌گیرد؟ محققان بیان کرده‌اند که اموری چون وجود صف‌های قابل توجه خرید و فروش سهام و معکوس شدن روند آن‌ها در روزهای معاملاتی بعد، عدم وجود چارچوب قانونی محکم، تاثیرپذیری شدید بورس از تحولات سیاسی و اقتصادی و حضور کم‌رنگ سرمایه‌گذاران حقیقی و خروج سریع آن‌ها از بازار در هنگام کاهش شاخص بورس، را می‌توان به عنوان شواهدی در جهت بروز رفتار گروهی در بورس اوراق بهادار تهران در نظر گرفت.

گرچه این تحقیق به تحلیل رفتار گروهی سرمایه‌گذاران در این بازار از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ توجه کرده است اما به نظر می‌رسد در رخدادهای سال‌های ۱۳۹۹ و سال‌های پس از آن این رفتار گروهی خصوصاً وجود صف‌های قابل توجه خرید و فروش سهام و معکوس شدن

روند آن‌ها در روزهای معاملاتی بعد و خروج سریع سرمایه‌گذاران حقیقی از بازار در هنگام کاهش شاخص بورس قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد عامل مهم دیگر در رفتار گروهی قدرت نداشتن حقیقی‌ها در این بازار است و سرمایه‌گذاران حقیقی با این استناد که همه چیز در دست حقوقی‌ها و دولت است هیچ نقشی برای خود در تعیین روند بازار قائل نیستند و از این رو این امر در خروج سرمایه‌های آن‌ها به طور همگانی و همچنین سرمایه‌گذاری گروهی آن‌ها موثر است.

بروس کراتز (۲۰۰۹) به بررسی پدیده شکل‌گیری حباب در بازارهای مالی و خصوصاً بازار سهام پرداخته است که منجر به شکل‌گیری بحران سال ۲۰۰۸ شده است. به نظر او به دلیل شکل‌گیری حباب در بازار سهام بود که در بحران آن سال، نصف ارزش بازار سهام از دست رفت. او این پدیده را از منظر جامعه‌شناسی مورد تحلیل قرار می‌دهد. پس از ترکیدن حباب شکل گرفته در بازارها و خصوصاً بازار سهام، بسیاری از مشکلات اجتماعی در پی آن به وجود آمد، مشکلاتی چون افزایش بیکاری، بی‌خانمانی و کاهش حقوق‌ها.

طباطبایی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی ارتباط خرید و فروش پرشدت سرمایه‌گذاران حقیقی و بازده سهام در بازار سهام ایران» به بررسی رفتار سهامداران حقیقی در بازار سهام پرداخته‌اند. از منظر ادبیات رسمی، سرمایه‌گذاران حقیقی دارای جهت‌گیری‌های روانی هستند و معامله‌گرانی تلقی می‌شوند که سبب ایجاد اختلال در بازار می‌شوند و موجب می‌شوند که بازار از روند طبیعی خود فاصله بگیرد.

در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت تحقیقات پیشین پیرامون بازار سهام، به بررسی جامعه‌شناسانه این بازار از منظر کنش‌گران خرد نپرداخته‌اند و پژوهش حاضر به دنبال این امر است.

در رخدادهای سال ۱۳۹۹ شاخص سهام پس از رشد بسیار فراوان تقریباً به نصف ارزش خود رسید (که در نمودارها نشان داده شد) اما به نظر می‌رسد نیاز به پژوهش‌های کیفی یا کمی دقیقی برای بررسی آثار اجتماعی این امر وجود دارد. در تحقیق پیش رو احساس شکست سرمایه‌گذاران حقیقی از تجربه‌های عمیق آن‌ها در این بازار بوده است.

با پذیرش دستاورد تحقیق طباطبایی و همکاران (۱۴۰۰) می‌توان به این بصیرت پیرامون رخداد سال ۱۳۹۹ دست یافت که تا زمانی که سرمایه‌گذاران حقیقی جای خود را در بازار سهام پیدا نکنند و به نوعی آن‌ها را مخل نظم طبیعی بازار تلقی نکنند، حضور آن‌ها در این بازار نیز به صورتی موقت خواهد بود. در تحقیق پیش رو مصاحبه‌شوندگان به این امر اذعان داشته‌اند که از همان ابتدا هم به دنبال حضوری بلندمدت در این بازار نبوده‌اند.

### ۳. مبانی نظری

در نظریه زمینه‌ای، نظریه‌ای پیشین اتخاذ نمی‌شود بلکه نظریه‌ها، در حکم حساسیت نظری دارند. در تحقیق حاضر، به دلیل ابعاد متعدد این تحقیق ۴ نظریه در باب بازارهای مالی مورد توجه قرار گرفته است و سوالات از پیش تعیین شده مصاحبه مبتنی بر این نظریات طراحی شده است.

در این راستا این ۴ نظریه به دو دسته نظریه‌های ناظر بر کنشگر عقلانی و کنشگر غیرعقلانی بیان می‌شود.

#### نظریه‌های ناظر بر کنشگر غیرعقلانی

##### الف) نظریه احساسات جمعی در بازار

به نظر محققین احساسات کنش‌گران بازار می‌تواند تا حدودی روند بازار را پیش‌بینی کند (گریفت<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۲۰: ۴۲). از این رو حتی برخی پژوهشگران برای پاسخ به این پرسش که آیا احساسات بازار در جهت‌دهی به آن موثرتر هستند یا عوامل بنیادی، به تحقیق پرداخته‌اند

---

7. Griffith

(گوئدهارت<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۵: ۷) و تحقیقات متعددی پیرامون احساسات بازار در هنگام صعود و سقوط آن، صورت پذیرفته است. (برای مثال: جیانگان<sup>۹</sup>، ۲۰۲۰)

احساسات را می‌توان از دو منظر مورد تحلیل علمی قرار داد: منظر اول مربوط به ابعاد روان‌شناسانه آن است و منظر دوم، توجه به ابعاد اجتماعی احساسات است، زیرا احساسات نیز می‌تواند به صورت جمعی به وجود آید و همچنین از بین برود. در این نظریه، بعد دوم مورد توجه است.

احساسات بازار را می‌توان به عنوان لحظاتی در فعالیت بازار تعریف کرد که در آن افزایش شدت در فعالیت‌های تجاری باعث ایجاد حالت‌های عاطفی شدید می‌شود که با (۱) اختلال یا هیجان فیزیکی و روانی مشخص می‌شود و (۲) تولید فردی استعاره‌هایی که به طور گذرا رابطه بازیگر بازار با بازار را تغییر می‌دهد، رخ می‌دهد. برخلاف تعریف معمول از هیجان، به نظر می‌رسد از منظر اجتماعی، رابطه‌ای بین هیجان و اختلال یا لغو واکنش‌های مناسب برای سازگاری با رویدادها برقرار نمی‌شود. برعکس، می‌توان به احساسات موقعیتی در فرآیند بازار و نحوه ابراز آن احساسات توسط بازیگران بازار توجه کرد. (حسون<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۶، ۱۰۳)

#### ب) نظریات تصمیم‌گیری

مطابق با این نظریات، سرمایه‌گذاران همیشه تصمیمات سرمایه‌گذارانه منطقی نمی‌گیرند بلکه تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری آن‌ها تا حد زیادی تحت تأثیر عوامل رفتاری مانند حرص<sup>۱۱</sup> و آز و ترس<sup>۱۲</sup>، ناهماهنگی شناختی<sup>۱۳</sup>، اکتشافی<sup>۱۴</sup>، حساس‌گری ذهنی<sup>۱۵</sup> و لنگر انداختن<sup>۱۶</sup> است. این عوامل رفتاری باید به عنوان عوامل خطر در هنگام تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شوند.

---

8. Goedhart

9. GeJiangnan

10. Hasson

11. greed

12. fear

13. cognitive dissonance

14. heuristics

15. mental accounting

16. anchoring



شناسایی عواملی که تصمیم‌گیری غیرمنطقی را از منظر اجتماعی برجسته می‌سازند، می‌تواند کمک شایانی به سیاستگذاری در بازار سهام کند. اساساً از نظریات تصمیم‌گیری استفاده گسترده‌ای در مورد تحقیق پیرامون بازار سهام استفاده شده است. در این تحقیقات عمدتاً تلاش می‌شود بر ابعاد غیر عقلانی کنش تاکید شود. از نظر این نوع تحقیقات، کنش‌گران بازار سهام به دلیل آنکه تحت تاثیر جریان‌های خبری، رسانه‌ها و ارتباطات اجتماعی هستند و از همه مهم‌تر مبتنی بر هنجارها و ارزش‌ها تصمیم می‌گیرند، نمی‌توان آن‌ها را کنش‌گرانی به شمار آورد که صرفاً با منطق حداکثرسازی سود کنش‌گری می‌کنند، بنابراین نقش عوامل غیر منطقی را نباید کمتر از عوامل منطقی انگاشت. (چاندر<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۹)

تحقیق انجام شده در مورد بازار سهام ایران، نشان داده است که نظریه اکتشافی (خصوصاً مغالطه قمارباز و لنگر انداختن)، و همچنین نظریه چشم‌انداز در بازار سهام ایران تبیین‌کننده رفتارهای کنش‌گران بازار سهام هستند. (معصومی، ۲۰۱۱: ۲۳۷)

#### نظریه‌های ناظر بر کنشگر عقلانی

#### الف) نظریه اقتصاد روایی<sup>۱۸</sup>

اقتصاد روایی به روش تحقیقی اشاره دارد که روایت خود فرد از رویدادهای تاریخی را ارائه می‌دهد. در اقتصاد روایی بیشتر به مطالعه روایت‌های دیگران از رویدادهای مهم اقتصادی، نظیر روایت‌های محبوبی که در فضای مجازی منتشر می‌شود، توجه می‌شود. در استفاده از اصطلاح اقتصاد روایی، بر دو عنصر تمرکز می‌شود:

(۱) سرایت دهان به دهان ایده‌ها در قالب داستان

(۲) تلاش‌هایی که مردم برای تولید داستان‌های مسری جدید یا منتشر کردن داستان‌ها انجام می‌دهند.

---

<sup>17</sup>. Chandra

<sup>18</sup>. Narrative Economics

قبل از هر چیز، باید این امر مورد توجه قرار گیرد که چگونه انتشار روایت بر رویدادهای اقتصادی تأثیر می‌گذارد. (شیلر<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۹: ۴)

اقتصاد روایی معتقد است پدیده‌های بزرگ اقتصاد را صرفاً نباید با متغیرهای اقتصادی‌ای نظیر رشد نقدینگی، افزایش تورم و امثال آن فهم کرد، بلکه باید ابعاد اجتماعی را نیز مورد توجه قرار داد. به نظر می‌رسد این نظریه گرچه از سوی اقتصاددانان مطرح شده است اما به جامعه‌شناسی اقتصادی نزدیک است. جان مایه جامعه‌شناسی اقتصادی آن است که باید به فرایندها و ابعاد اجتماعی پدیده‌های اقتصادی توجه کرد و سخن اقتصاد روایی نیز آن است که اساساً برای به دست آوردن تبیین اقتصادی از یک پدیده اقتصادی باید به سراغ روایت‌های شکل گرفته پیرامون آن پدیده رجوع کرد و از نظر آن، این امر در فهم اقتصادی پدیده مدخلیت دارد. (شیلر، ۲۰۱۹: ۱۷)

#### ب) نظریه انتخاب عقلانی

نظریه انتخاب عقلانی عمدتاً در علم اقتصاد مطرح شده است و از این حوزه به سایر زمینه‌ها بسط پیدا کرد. از این رو این نظریه را می‌توان اصالتاً مربوط به بازار دانست. (ون در ویر<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۲)

نقطه قوت تئوری انتخاب عقلانی این است که از آنجایی که طرفداران آن تلاش می‌کنند نظم اجتماعی و همبستگی گروهی را توجیه کنند، تا زمانی که ممکن است در برابر درونی‌سازی فرضی هنجارهای مشترک توسط کنشگران مقاومت می‌کنند. (کلمن<sup>۲۱</sup> و فرارو<sup>۲۲</sup>، ۱۹۹۲: ۱۶۱)

به طور خلاصه، هدف نظریه انتخاب عقلانی تبیین پدیده‌های اجتماعی با فرض انتخاب عقلانی در سطح کنشگر است. برای تحقق این هدف، این نظریه دو مکانیسم را در نظر می‌گیرد:

---

<sup>19</sup>. Shiller

<sup>20</sup>. Van der Veer

<sup>21</sup>. Coleman

<sup>22</sup>. Farraro

انتخاب توسط بازیگران و انتقال کلان - خرد - کلان.<sup>۲۳</sup> نظریه انتخاب عقلانی با موفقیت نظم اجتماعی را که در زمینه‌های مختلف تجسم یافته است، توضیح می‌دهد. (ساتو<sup>۲۴</sup>، ۲۰۱۳)

در ادامه سوال‌های اصلی و فرعی تحقیق بیان می‌شود:

سوال اصلی: کنش‌گران خرد بازار سهام در مشهد، کلیت پدیده رخ داده در بازار سهام ایران در طی سال‌های ۱۳۹۸ الی ۱۳۹۹ را چگونه توصیف و تبیین می‌کند؟

سوالات فرعی:

- عوامل موثر اجتماعی جذب سرمایه‌گذاران خرد در شهر مشهد به بازار سهام چه بوده است؟
  - نقش سیاستگذار بازار سهام از منظر کنش‌گران شهر مشهد چه بوده است؟
  - عوامل موثر بر تلاطم بازار سهام از منظر کنش‌گران خرد شهر مشهد چیست؟
۴. روش تحقیق

بنابر سوال تحقیق تحلیل عمیق پدیده رخ داده در بازار سهام در سال‌های ۱۳۹۸ الی ۱۳۹۹ از منظر کنش‌گران خرد مورد توجه باید قرار گیرد که در نتیجه باید از روش‌های کیفی بدان دست یافت و بنابر آنکه در زمینه بازار بورس در ایران و در پاسخ به سوال بیان شده، نظریه‌ای مبتنی بر امر اجتماعی و جامعه‌شناسانه وجود ندارد، می‌توان از روش تحقیق نظریه زمینه‌ای<sup>۲۵</sup> برای پاسخ به مسئله تحقیق بهره برد. زیرا نظریه زمینه‌ای یک روش تحقیق استقرایی و با رویکرد کاملاً کیفی است. این روش یک روش پژوهشی اکتشافی<sup>۲۶</sup> است و به پژوهشگر امکان می‌دهد در مواردی که امکان تدوین فرضیه وجود ندارد بجای استفاده از نظریه‌های از پیش تعریف شده خود به تدوین یا توسعه یک نظریه اقدام کند.

---

<sup>23</sup>. macro-micro-macro

<sup>24</sup>. Sato

<sup>25</sup>. Grounded Theory

<sup>26</sup>. Exploratory

پژوهش حاضر با استفاده از روش نظریه زمینه ای اشتراوس<sup>۲۷</sup> و کوربین<sup>۲۸</sup> نگارش شده است. در این تحقیق ۲۵ مصاحبه کیفی (۱۹ مرد، ۶ زن) باز با فعالان خرد بازار سهام در مشهد انجام پذیرفته است و نمونه‌گیری نیز به روش گلوله برفی صورت پذیرفته است و تلاش شده است با تنوعی از طیف‌های اجتماعی نظیر کارگر، کارمند، معلم و زن خانه‌دار مصاحبه صورت پذیرد.

در ادامه ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان به طور دقیقتر بیان می‌شود:

مجموع	دکتری	فوق لیسانس	لیسانس	دیپلم	
۲۵	۳	۵	۱۲	۵	سطح تحصیلات
			زن	مرد	جنس
۲۵			۶	۱۹	
		بیش از سه سال	دو تا سه سال	کمتر از یکسال	مدت فعالیت موثر در بورس
۲۵		۴	۴	۱۷	
		۴۱ به بالا	۳۱ تا ۴۰	۱۸ تا ۳۰ سال	سن
۲۵		۱۰	۱۰	۵	

در تحقیق حاضر، در مرحله کدگذاری باز ۲۳۸ مفهوم از متن پیاده شده ۲۵ مصاحبه به دست آمده است، سپس این مفاهیم در ذیل ۲۵ مقوله کلی دسته‌بندی شده‌اند. در مرحله کدگذاری محوری، ۹ مقوله اصلی مشخص شده‌اند و ۱۵ مقوله دیگر به عنوان مقوله فرعی شناسایی شده‌اند، سپس مقوله محوری با عنوان «تعلیق تدبیر» انتخاب شده است و در مرحله بعد الگوی پارادایمی مبتنی بر مشخص کردن شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر، پدیده، تعاملات و

<sup>27</sup> Strauss

<sup>28</sup> Corbyn

پیامدها به دست آمده است. در بخش کدگذاری گزینشی داده‌ها پالایش شده و دو مقوله دیگر به مقوله‌ها اضافه شده و در نهایت الگوی پارادایمی نهایی با ۱۱ مقوله ارائه شده است. برای تخلیص مباحث، نتایج نهایی به همراه شواهد موجود در مصاحبه‌ها بیان می‌شود.

یکی از تکنیک‌های اصلی تعیین اعتبار در روش نظریه زمینه‌ای، ارائه داستان و نظریه به دست آمده به مصاحبه‌شوندگان است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۸۱-۱۸۰). اعتبار تحقیق حاضر نیز با استفاده از تکنیک از طریق ارائه دستاوردهای تحقیق به ۷ نفر از کنش‌گران خرد بازار سهام که دارای تحصیلات تکمیلی علوم اجتماعی بوده‌اند، به دست آمده است.

#### ۵. یافته‌های تحقیق

در این تحقیق ۱۱ مقوله اصلی به دست آمده است و سپس مبتنی بر روش نظریه زمینه‌ای الگوی پارادایمی تحقیق استخراج شده و با انجام کدگذاری گزینشی که یکپارچه‌سازی و پالایش داده‌ها و نهایتاً روایی تحقیق را بر عهده دارد، پژوهش صورت پذیرفته است. در تحقیق حاضر، معیار گروه‌بندی مقوله‌ها بر اساس ۴ معیار، تاثیرگذاری، تاثیرپذیری، منشا واحد و واکنشی تعیین می‌شود و مقوله «تعلیق تدبیر» به عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شده است و ۱۱ مقوله دیگر به عنوان مقوله اصلی در نظر گرفته معرفی می‌شوند که در ادامه شواهد به طور کامل بیان می‌شود.

#### ۵.۱. کدگذاری باز

برای خلاصه شدن تحقیق، نتایج کدگذاری باز به صورت خلاصه بیان می‌شود و شواهد موجود در مصاحبه‌ها در بیان مقولات مدل پارادایمی بیان خواهد شد.

#### ۵.۲. کدگذاری محوری

در ادامه جدول مقوله‌های فرعی و اصلی برگرفته از آن‌ها بیان می‌شود.

جدول ۳- مقوله‌های اصلی و فرعی تحقیق

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی
------------	----------------

۱	بلندپروازی مالی	درهم‌تندگی دائمی هیجان و احساسات متناقض با زندگی روزمره، ادراک خود به مثابه دلال و معامله‌گر حرفه‌ای، سرمایه‌گذاری برای حفظ سرمایه
۲	روایت ثروت و رویای ثروتمند شدن	ضرورت پیدا کردن راهی دیگر برای کسب درآمد، شرطی شدن سهامداران به رابطه سرمایه‌گذاری و سود، عدم امکان رشد سریع بازارهای موازی
۳	کسب ثروت سریع	سریع رخ دادن همه چیز در فرایند صعودی بازار، امکان رشد سریع بازار سهام، وارد و خارج شدن سریع پول در بازار
۴	دو گانه ما (بازنده‌ها: کنش‌گران خرد یا مردم) و آن‌ها (برنده‌ها: دولت و حقوقی‌ها)	بی‌اعتمادی به تمامی وعده‌ها و تصمیمات دولت در بازار سهام، منفعت حقوقی‌ها و ضرر مردم، فروش گسترده سهام توسط حقوقی‌ها به مردم در قله
۵	ضرورت کسب درآمد بیشتر	درآمدزایی عامل اصلی ورود به بازار، انگیزه ایجاد درآمد موازی توسط بازار سهام
۶	خارج شدن بازار از روند طبیعی	عدم توازن میان پول وارد شده و ظرفیت بازار، تصور علمی نبودن و عدم پیش‌بینی‌پذیری بازار سهام ایران
۷	عدم اعتماد به بازار	نبود اعتماد عامل اساسی عدم بازگشت کنش‌گران خرد به بازار، عدم اعتماد مردم به دولت به مثابه اصلی‌ترین عامل سقوط، بی‌اعتمادی عمیق عمومی به بازار در پی ریزش سنگین
۸	تجربه شکست	بدبینی به جهان اجتماعی، احساس بی‌چارگی و استیصال، ناباوری به سقوط بازار
۹	هیجان و احساسات متناقض	هیجان به مثابه مهم‌ترین احساس تجربه شده در بازار، خوشحالی حاصل از سودهای ناگهانی روزانه در بازار، احساس بی‌چارگی و استیصال در هنگام ریزش بازار
۱۰	آرزو و امیال به مثابه واقعیت	بی‌توجهی به ارزش ذاتی سهم در روند صعودی، فکر همگانی سود به جیب زدن، بازار سهام به مثابه بهشت، ترس سهامداران کهنه‌کار از افزایش قیمت‌ها
۱۱	تصور تحلیل و پیش‌بینی‌ناپذیری بازار سهام ایران	برنامه دولت برای افزایش قیمت‌ها، ناهمخوانی با تحلیل‌های تکنیکال، پیش‌بینی‌ناپذیری قیمت‌ها

### ۵.۳. کدگذاری گزینشی

کدگذاری گزینشی شامل دو مرحله اصلی یکپارچه‌سازی و پالایش داده‌ها است که در ادامه هر کدام از این مراحل بیان می‌شوند.

## یکپارچه‌سازی

یکپارچه‌سازی خود دارای گام‌هایی است که در ادامه بیان می‌شود:

### گام نخست: تعیین مقوله هسته

در این راستا، خط داستان تحقیق حاضر به این شرح است:

«روایت ثروت و رویای ثروت‌مند شدن» و «آرزو و امیال به مثابه واقعیت» به همراه «خارج شدن بازار از روند طبیعی» و «تصور علمی نبودن و عدم پیش‌بینی‌پذیری» سبب تعلیق تدبیر شده است و کنش‌گران در قبال مسئله تعلیق تدبیر، راهبرد «کسب ثروت سریع» را اتخاذ کردند. پیامد «تعلیق تدبیر»، «تجربه شکست» از سوی کنش‌گران و «شکل‌گیری دوگانه ما به مثابه بازندگان و آن‌ها به مثابه برندگان» شد.

در این تحقیق مفهوم انتزاعی «تعلیق تدبیر» به مثابه انتزاعی‌ترین مفهومی که توانایی پاسخ به پرسش اصلی این تحقیق را دارد و در انتزاعی‌ترین سطح ممکن قرار دارد، به مثابه مقوله مرکزی تعیین می‌شود. «تعلیق تدبیر» مفهومی است که می‌تواند تمامی مقوله‌ها و داده‌های تحقیق حاضر را در ذیل یک تحلیل منسجم و منطقی صورت‌بندی کند.

### گام دوم: خط داستان مطالعه کنش فعالان خرد بازار سهام در مشهد

بر اساس مدل پارادایمی، تعلیق تدبیر در میان کنش‌گران بازار سهام در مشهد، تحت تاثیر سه امر بوده است که در سه دسته شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای تقسیم می‌شوند. دو امر «روایت ثروت و رویای ثروت‌مند شدن» و «آرزو و امیال به مثابه واقعیت» به عنوان شرایط علی بر تعلیق تدبیر موثر بوده‌اند. «خارج شدن بازار از روند طبیعی» به مثابه شرایط مداخله‌گر و «تصور تحلیل پیش‌بینی‌ناپذیری» بازار سهام به عنوان شرایط زمینه‌ای دخیل بوده‌اند.

راهبرد اصلی کنش‌گران خرد بازار سهام در مشهد در قبال تعلیق تدبیر، «کسب ثروت سریع» بوده است. بسیاری از این کنش‌گران خود می‌دانستند که بازار حتماً با افزایش شدید، به شدت ریزش خواهد داشت اما به دنبال موج‌سواری بر روی برنامه دولت و کسب منفعت فراوان از وضعیت ایجاد شده بوده‌اند و چون تصور می‌کردند بناست سود مفتی در این بازار نصیب آن‌ها شود و از این طریق بتوانند مشکلات اقتصادی سال‌های اخیر که تورم فراوانی را به آن‌ها تحمیل کرده بود، را پشت سر بگذارند، سرمایه‌های زیادی را وارد این بازار کردند. در این میان، بسیاری از کنش‌گران، سرمایه‌های ضروری زندگی خود نظیر طلا و منزل مسکونی و اتومبیل خود را برای کسب ثروت سریع در این بازار وارد کردند. از این جهت می‌توان گفت آن‌ها خود به عقلانی نبودن کار خود واقف بوده‌اند که در مصاحبه‌های این تحقیق بر سرعت در کسب سود تاکید فراوانی داشته‌اند.

پیامد «تعلیق تدبیر» از سوی کنش‌گران، تجربه شکست و شکل‌گیری دوگانه برنده‌ها (مردم) و بازنده‌ها (دولت و حقوقی‌ها) شد.

#### پالایش داده‌ها و نظریه

با توجه به بررسی دوباره داده‌ها، می‌توان مقوله «هیجان و احساسات متناقض» را به عنوان شرط مداخله‌گر مطرح کرد:

«شما در قله با سرعت بسیار بالا در حال حرکت هستید، در اینجا اصلاً آدم نمی‌تواند خودش را راضی کند که خارج شود. افراد در این بازار سودی که مثلاً قبلاً می‌توانستند در یک سال به دست بیاورند (مثلاً سود ۳۰ تا ۴۰ درصدی) در عرض یک هفته در بورس درآوردند. در اینجا حجم آدرنالین و هیجان وارد شده بیرون از تصور است. مرد ۴۰ ساله»

«مهم‌ترین احساسی که در این دوران احساس کردم، حجم زیادی از هیجان بوده است. مرد ۳۳ ساله»



در این میان کنش گران فراوانی سخن از احساسات متناقض و همچنین درگیری دائمی در طی شبانه‌روز با بازار سهام در دوران فعالیت در این بازار در طی سال‌های مورد توجه در این تحقیق داشته‌اند:

«دائماً اکانت را چک می‌کردیم. زن، ۳۸ ساله» «سود زمینی که در دو سال می‌خواست به من بدهد، در عرض چند روز توی بورس در می‌آمد. سود روزانه ۵ یا ۱۰ درصدی (چون سقف روزانه را برای برخی نمادها برداشته بودند). خیلی کیف می‌داد، خیلی خیلی کیف می‌داد. ولی متأسفانه... لذت و حظ بردن از اینکه می‌توانی یک شبه پولت را زیاد کنی. مرد ۳۷ ساله»

«من از اینکه در یک روز ده ملیون هم پول در بیاورم راضی نبودم، توقعم از خودم خیلی بیشتر از این‌ها بود و می‌خواستم خیلی بیشتر پول در بیاورم و پول داشته باشم و برای همین همیشه آن سرخوردگی همراهم بود و احساس عقب‌ماندگی را همیشه داشتم. مرد ۴۱ ساله»

همچنین مقوله دیگری که می‌توان به عنوان شرایط زمینه‌ای در نظر گرفت، مشکلات اقتصادی ایجاد شده در طی سال‌های اخیر بوده است و برای مردم، بازار سهام به مثابه مامن و پناهگاهی برای جبران آن فشارها و تغییر و بهبود شرایط تلقی شده است:

«ما در ذهنمان بود که از پولمان که در حد یک پراید بود آن را تبدیل به پژو پارس کنیم، زن ۴۴ ساله»  
«در آن دوران که به یک معنا کسب و کارها به خاطر کرونا تضعیف شده بود و بورس برایشان محملی برای کار کردن آن‌ها بود تا بتوانند درآمد کسب کنند و البته در اینجا تورم خیلی زیاد هم موثر بود و این ماجرا اپیدمی شد که در بورس سرمایه‌گذاری کنید و در مدت بسیار کوتاهی پولتان اضافه خواهد شد. مرد ۳۸ ساله»

بر اساس شواهد متعددی که در این زمینه بیان شده است، مقوله زمینه‌ای در اینجا «ضرورت درآمد بیشتر» تعیین می‌شود. این مقوله بیانگر آن است که از نظر کنش‌گران به دلیل شرایط سخت اقتصادی پیش آمده، باید علاوه بر درآمد فعلی که آن‌ها دارند، باید راهی دیگر نیز برای کسب درآمد بیشتر پیدا کرد تا بتوان بحران‌های اقتصادی را از پیش رو برداشت و شرایط را تغییر داد

و به همین دلیل به نظر می‌رسد، کنش‌گران در این شرایط به دلیل آنکه کسب درآمد بیشتر را امری ضروری می‌دانستند، راه‌های ممکن برای کسب درآمد را بیشتر از گذشته مورد توجه خود قرار می‌دادند.

### مدل پارادایمی

برای مدل پارادایمی، پژوهشگر باید میان یک مقوله و مقوله‌های فرعی آن ارتباط برقرار سازد. مدل پارادایمی دارای سه مولفه شرایط، تعامل و پیامد است. (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۵۰)

مدل پارادایمی تحقیق حاضر چنین صورت‌بندی می‌شود:

#### • پدیده: تعلیق تدبیر

تعلیق تدبیر با توجه به مفاهیم و مقوله‌های مورد توجه در این تحقیق، بدین معناست که کنش‌گران خرد گرچه می‌دانستند آنچه که در بازار سهام رخ می‌دهد، منطقی نیست، اما آن‌ها با توجه به دعوت‌های سیاستگذار و همچنین شکل‌گیری روایت‌های سود کردن و ثروتمند شدن، به دنبال این امر بودند که تدبیر و عقلانیت خود را برای مدتی کوتاه تعلیق کنند و پس از رسیدن به اهداف اقتصادی خود در کوتاه‌ترین زمان ممکن، دوباره تدبیر را در زندگی خود جاری کنند. از شواهد مهم این امر، اظهار پشیمانی و عقلانی ندانستن رفتارهای خود در هنگام صعود شدید بازار است، از این جهت این امر «تعلیق تدبیر» نامیده شده است که کنش‌گر در زمان سرمایه‌گذاری که اکنون دارد به صورتی پسینی آن را مورد تحلیل قرار می‌دهد، خود را اسیر هیجان‌ات، احساسات و اموری شبیه به آن می‌دانسته است که او را به این نوع از کنش‌گری سوق داده است.

«سال ۹۷ وارد بورس شدم و پلکانی وارد شدم، ولی اوایل خیلی کم بود تا اینکه به ۳۰۰ تومن رسید و به خاطر مقاومتی که یک حماقت بود، پولم را در اوج خارج نکردم. مرد ۳۸ ساله» و

«در هنگام سقوط اوایل ما ناباور بودیم و تصور می‌کردیم برمی‌گردد. بعد از این کم کم خشمگین شدیم که چرا در اوج نفروختیم و دنبال مسبب آن می‌گشتیم و اول از همه خودمان را شماتت و سرزنش می‌کردیم. زن ۴۰ ساله».

در بسیاری از مصاحبه‌های انجام شده در این پژوهش، کنش‌گران خود اذعان داشته‌اند که اساساً کنش‌گران خرد همیشه سرشان کلاه می‌رود اما با این حال با هدف موج‌سواری وارد بازار شدند تا بتوانند در مدت زمان کوتاهی به هدف خود رسیده و بتوانند شرایط زندگی اقتصادی خود را به شکل قابل توجهی تغییر داده و سپس بعد از تغییر شرایط وضع را به عقلانیت اقتصادی پیشین خود برگردانند:

«بازار ما یک بازار رانتی است و اساساً ساختار کشور اینطور است، و اگر رانت اطلاعاتی اگر داشته باشی سود اساسی می‌کنی. ... هدف اصلی‌ام، موج‌سواری روی برنامه دولت بود. مرد ۳۳ ساله»

این شاهد بیانگر آن است که کنش‌گر تصور می‌کند بازار سهام ایران یک بازار رانتی است ولی با این حال رویای ثروتمند شدن و تغییر شرایط بسیار قوی‌تر از تدبیر پیشین خود اوست و به همین دلیل تدبیر خود را تعلیق می‌کند.

#### • شرایط علی

- روایت ثروت و رویای ثروتمند شدن

بازار سرمایه برای کنش‌گران خرد رویای ثروتمند شدن و خلاص شدن از مشکلات اقتصادی روزمره را نشان داد و از طرقی دیگر روایت‌های فراوانی از سوی آشنایان و اطرافیان و حرفه‌ای‌ها، پیرامون ثروتمند شدن ساخته شد. این دو امر مسبب «تعلیق تدبیر» بوده‌اند. زیرا هنگامی که رویاپردازی در جامعه‌ای شدت یابد و آن‌ها امیال و آرزوهای خود را به جای واقعیت بپندارند، تدبیر به محاق خواهد رفت: «روایت مردم این بود که با این سرمایه‌گذاری می‌توان به سرعت افزایش ثروت داد، مرد ۳۸ ساله»

«اطلاعاتی که در کانال‌ها و... می‌دادند دائماً این سیگنال را می‌دادند که سرمایه‌مان بیش از این‌ها خواهد شد. آن‌ها هم دائماً از این حرف می‌زدند که سرمایه‌شان در بورس چند برابر شده است و این اطمینان‌مان را بیشتر می‌کرد اینجوری ذهن ما بسته شد. مرد ۳۹ ساله»

- آرزو و امیال به مثابه واقعیت

مقوله دیگر که سمت تعلیل را برای «تعلیق تدبیر» دارد، در نظر گرفتن آرزو و امیال به مثابه واقعیت است. به نظر می‌رسد این امر نیز عامل مهمی در شکل‌گیری تعلیق تدبیر بوده است، یعنی کنش‌گران به جای دیدن واقعیتی که در بازار سهام وجود دارد، امیال و آرزوهای خود را در شکل واقعیت می‌دیدند و همین امر سبب شد تا عقلانیت به تعلیق برود:

«با افزایش قیمت‌ها فرد دچار سرخوشی و سرمستی می‌شد و این منجر به رویاپردازی می‌شد و نتیجه این شد که انسان نتواند واقعیت را ببیند. مرد ۵۸ ساله»

«مردم بر اساس امیالشان واقعیت‌ها را تحریف می‌کردند. میلشان الان این بود که سهم را بخرند، مبتنی بر همین تحلیل می‌کردند. خیلی از این تازه واردها هیچ تصویری از منفی شدن و ریزش نداشتند! مرد ۳۶ ساله»

#### • شرایط مداخله‌گر

- خارج شدن بازار از روند طبیعی

«خارج شدن بازار از روند طبیعی» به این علت که موجب تشدید «تعلیق تدبیر» بوده است، به مثابه شرایط مداخله‌گر تلقی می‌شود، در این امر مولفه‌هایی چون دستکاری دولت در بازار و برنامه دولت برای افزایش قیمت‌ها برای کسری بودجه موثر بوده است:

«دولت، برنامه‌ای کوتاه‌مدت داشت که بتواند کسری بودجه خود را جبران کند. مرد ۶۰ ساله»

«در ابتدا یک دون برای مردم پاشیده شد که یا یک برنامه خاص برای دولت بود. نتیجه این شد که هر ورودی به بورس سودآور شد.» «دولت در این دوره روند طبیعی مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری در بورس را مخدوش کرد و آن را به هم زد. مرد ۳۸ ساله»

- هیجان و احساسات متناقض

مقوله دیگر که به عنوان شرط مداخله‌گر در نظر گرفته شده است، تجربه هیجان فراوان و احساسات متناقض بوده است و اولویت پیدا کردن هیجان‌ها و احساسات بر تدبیر، عاملی برای تشدید فرایند تعلیق تدبیر خواهد بود:

«شستا و خودرو و این‌ها را نمی‌دانستم چرا باید بخرم ولی می‌خریدم، وگرنه من از این سهم‌ها متنفر بودم. اگر شرایط منطقی می‌بود و هیجان نبود، صد سال دیگر هم این سهم‌ها را نمی‌خریدم. مرد ۳۳ ساله»

«بعد از این خارج شدن، باز دوباره به خاطر هیجانی که اطرافیان داشتند دوباره پول کمی گذاشتم ولی این بار ضرر کردم. مرد ۳۸ ساله» «هیجان بازار در نحوه فکر کردنم اثر گذاشت وگرنه وقتی دیدم مردم به بازار هجوم آوردند به این تصمیم می‌رسیدم که وقت خروج از بازار است. مرد ۴۰ ساله»

#### • شرایط زمینه ای

##### - تصور تحلیل و پیش‌بینی ناپذیری

مقوله «تصور تحلیل و پیش‌بینی ناپذیری» که از سوی کنش‌گران مطرح شده است، بدین معناست که در میان بازارهای مالی در ایران، این بورس است که به علت مداخله دولت‌ها سوبیه‌هایی فرمایشی دارد و از این رو نمی‌توان روندهای آن را مطابق با اصول علمی تکنیکال و بنیادی پیش‌بینی کرد و همچنین در میان بازارهای سهام در جهان، تنها بازار سهام ایران است که تحلیل و پیش‌بینی پذیر نیست و وارد شدن به بازار سهام در ایران، اساساً کاری عاقلانه نیست و خلاف تدبیر است و در نتیجه اگر کنش‌گری تصمیم به ورود به این بازار بگذارد، باید تا حد زیادی به شانس اکتفا کند و در بهترین حالت می‌تواند بر روی برنامه‌های دولت موج‌سواری کند: «مردم تعقل نداشتند. مردم آن دوران دائماً می‌گفتند این‌ها همه فرصت خرید است یا می‌گفتند حقوقی‌ها دارند «کد به کد» می‌کنند! مرد ۳۵ ساله»

«ما گوشه‌ای از بازار ایده‌مان این بود که کنار این‌ها چیزی بخوریم و برویم. بازار سهام فرمایشی است و دولت آن را بالا و پایین می‌کرد. مرد ۳۳ ساله»

«تحلیل تکنیکال و این‌ها در بورس ایران جواب نمی‌دهد. مرد ۳۴ ساله»

##### - ضرورت درآمد بیشتر

شرایط اقتصادی کشور از منظر کنش گران خرد بازار سهام مشهد به نحوی بوده است که باید به هر نحو ممکن درآمدی دیگر برای عبور از مشکلات فراهم کرد. از این رو، فرصت‌هایی که امکان عبور از مشکلات را به آن‌ها نشان می‌دادند راحت‌تر می‌توانند مورد پذیرش قرار گیرند و فرایند اقناع برای سرمایه‌گذاری راحت‌تر خواهد بود:

«و خصوصاً در آن دوران که به یک معنا کسب و کارها به خاطر کرونا تضعیف شده بود و بورس برایشان محملی برای کار کردن آن‌ها بود تا بتوانند درآمد کسب کنند و البته در اینجا تورم خیلی زیاد هم موثر بود. مرد ۳۸ ساله»

«درآمد کارمندی کفاف خرج زندگی مان را نمی‌داد و نمی‌توانستیم مثلاً ماشینمان را عوض کنیم، برای همین با سرمایه‌گذاری در بورس می‌خواستیم پرایدمان را تبدیل به پژو کنیم. زن ۴۱ ساله»

#### • تعاملات و راهبردهای کنش

- بی‌توجهی به هشدارها

کنش گران خرد در قبال پدیده «تعلیق تدبیر» دیگر هشدارهای فراوانی که در گوشه و کنار به آن‌ها داده می‌شد را به کلی از صحنه ذهن خود حذف کردند و با نگرشی رویاپردازانه به سرمایه‌گذاری پرداختند و تنها چیزی که برای بازار تصور می‌کردند صرفاً افزایش هر چه بیشتر قیمت‌ها بوده است:

«سهام‌دارهای کهنه‌کار بسیاری شان جا ماندند و به شدت در ترس بودند. به این دلیل که با منطق بورسی آن‌ها اتفاقات رخ داده (بالا رفتن شدید شاخص) توجهی نداشت. مرد ۴۴ ساله»

«بورس ما در سال ۹۹، مثل شبکه‌های هرمی است. در شبکه هرمی می‌آیند اینطور می‌گویند که قرار است همه‌مان سود کنیم، فقط کافی است که به این شبکه بپیوندی. مرد ۳۶ ساله»

بنابراین کنش گران به هشدارها که سرمایه‌گذاری در هر بازاری امکان ضرر را هم در پی دارد بی‌توجه بودند.

«مثلاً می‌گفتند «غگل در این قیمت‌ها فروختنی نیست» و قیمتی را برای آن تصور می‌کردند که اگر به آن قیمت می‌رسید بزرگترین شرکت بورسی ایران می‌شد. مرد ۳۴ ساله»

- سرمایه‌گذاری بیشینه

به نظر می‌رسد با توجه به رخداد پدیده تعلیق تدبیر کنش‌گران، با نگاهی خیالبافانه به بازار سهام دست به سرمایه‌گذاری هر چه بیشتر در این بازار زدند و به نوعی در نظر داشتند تا از همه ظرفیت‌های بورس برای افزایش ثروت خود بهره ببرند:

«بعضی را به شدت جو گرفت و متوهم شدند؛ فکر کردند به چاه نفت رسیدند، برای همین پول از بقیه هم جمع کردند. مرد ۳۲ ساله»

«من کسی را می‌شناختم که قدیمی بورس بود و پول اندکی را وارد بورس کرده بود ولی بعد از عید ۹۹، همه پولش را آورد. مرد ۳۹ ساله»

#### • پیامدها ۲۹

- تجربه شکست

تعلیق تدبیر و عقلانیت برای عمده کنش‌گران خرد مورد توجه در این تحقیق تجربه شکست را به بار آورده است و کنش‌گران بسیار از تجربه شکست خود در این بازار سخن گفته‌اند و با مفاهیم متنوعی این شکست را توصیف کرده‌اند:

«آن‌هایی که سرمایه اصلی خودشان را آوردند، تقریباً شکست خورده‌اند. مرد ۳۴ ساله»

«در موقع سقوط، بعد از آنکه همه سرمایه‌ام را از دست دادم خیلی برایم سخت گذشت و افسرده شدم. مرد ۳۹ ساله»

- دو گانه ما (بازنده‌ها: کنش‌گران خرد یا مردم) و آن‌ها (برنده‌ها: دولت و حقوقی‌ها)

پیامد دیگر «تعلیق تدبیر»، شکل‌گیری یک دوگانه مهم در نظر کنش‌گران بوده است، به نظر کنش‌گران خرد بازار سهام در مشهد، عمده آن‌ها که «مردم» به شمار می‌آیند، در بازار سهام شکست خورده‌اند ولی از سویی دیگر، کنش‌گران بزرگ، و در راس آن‌ها دولت و پس از آن حقوقی‌های شرکت‌ها، پیروز این ماجرا بوده‌اند. بنابراین در میدان بازار سهام ایران، در نظر

---

<sup>۲۹</sup> به دلیل تغییر مدل پارادایمی در مرحله کدگذاری گزینشی، مدل پارادایمی نهایی در بخش کدگذاری گزینشی بیان می‌شود.

کنش گران خرد این بازار، یک دوگانه مهم از بازنده و برنده شکل گرفته است که مردم در سوی بازنده آن و دولت و حقوقی‌ها در سر برنده آن حضور دارند:

«دولت با استفاده از بازارسازها، پول مردم را خورد. مرد ۳۵ ساله»

«سر حقیقی‌ها را شیره مالیدند. حقوقی‌ها می‌دانستند که دارند چه اتفاقی می‌افتد و نتیجتاً سود این بازار را دولت و حقوقی‌ها بردند. این یک جیب‌بری حرفه‌ای بود. مرد ۴۰ ساله»

- عدم اعتماد به بازار

در نهایت یکی پیامدهای مهم فرایند تعلیق تدبیر، عدم اعتماد فعلی کنش گران به بازار سهام است. این امر بدین معناست که کنش گران به دلیل تبلیغات فراوان در مورد سود کردن در بازار سهام و همچنین وعده‌های حمایت دولتمردان، به این بازار اعتماد شدیدی در روند صعودی آن داشته‌اند و اعتماد بیش از حد می‌تواند تعلیق تدبیر را تشدید کند، البته لازم به ذکر است که از نظر کنش گران چون در وارد شدن آن‌ها به بازار، اعتماد به دولت نقش نداشته است، پس نمی‌تواند اعتماد را جزو شرایط علی یا مداخله‌گر به حساب آورد، اما در پس از روند ریزشی بازار سهام، از نظر کنش گران اعتماد عمومی به این بازار بسیار مخدوش شده است و این عدم اعتماد شدید، محصول تعلیق تدبیر سابق بوده است و به نوعی با شکل‌گیری دو گانه ما و آن‌ها نیز مرتبط است، زیرا کنش گران هنگامی که احساس کنند، دولت و سایر بازارسازان در یک طرف به دنبال خالی کردن جیب آن‌ها هستند، هرگز به این بازار اعتماد نخواهند کرد:

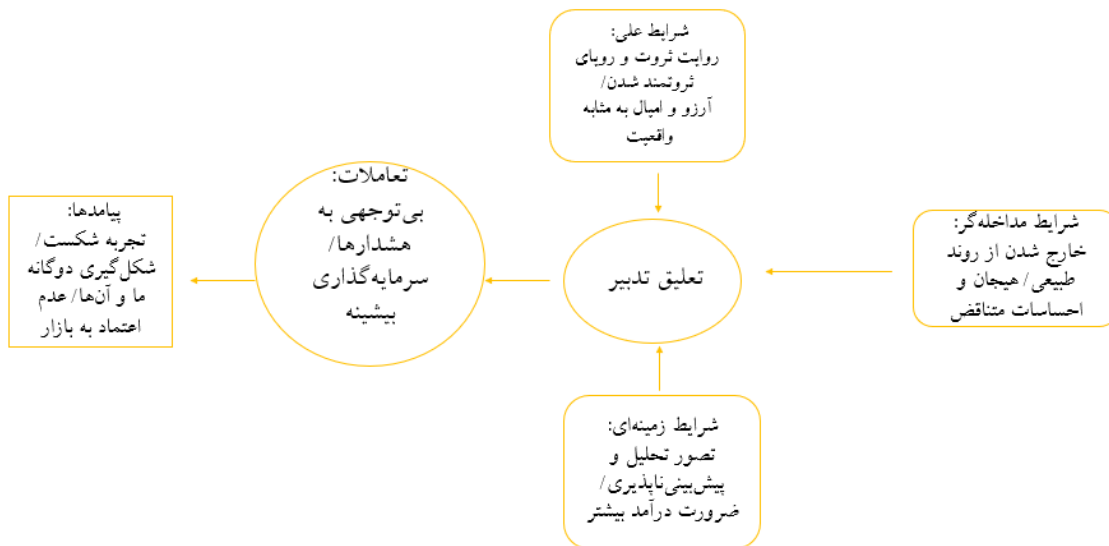
«دیگر آن اعتماد را ندارم، زن ۳۷ ساله»

«مردم اعتماد کافی ندارند و پولشان را وارد نمی‌کنند. دروغ‌هایی که دستگاه‌های مربوط (خصوصاً دولت) در این زمینه گفت خیلی در این عدم اعتماد موثر بودند. متأسفانه با این عدم اعتماد حداقل تا ۵ سال دیگر خبری از ورود پول سنگین نخواهد بود. مرد ۵۸ ساله»

«سر حقیقی‌ها را شیره مالیدند. حقوقی‌ها می‌دانستند که دارند چه اتفاقی می‌افتد و نتیجتاً سود این بازار را دولت و حقوقی‌ها بردند. این یک جیب‌بری حرفه‌ای بود. مرد ۳۸ ساله»

مدل پارادایمی نهایی مبتنی بر مقوله‌های شرح داده شده به شکل زیر است:





شکل ۱- مدل پارادیمی مطالعه جامعه‌شناختی کنش‌گران خرد بازار سهام در مشهد

در جهت شرح مکانیسم ارتباط میان مقوله‌ها در مدل پارادیمی جملات ربط‌دهنده در ادامه بیان می‌شود، با توجه به آنکه شواهد ارتباط میان مقولات با توجه به پرسش‌هایی که محقق پیرامون پژوهش مطرح می‌کند، در قالب گزاره‌هایی بیان می‌شود.

در تحقیق حاضر گزاره‌های ربط‌دهنده به صورت زیر بیان می‌شود:

- ✓ شرایط علی: دو مقوله «روایت ثروت و رویای ثروتمند شدن» و «آرزو و امیال به مثابه واقعیت» موجب تعلیق تدبیر شدند.
- ✓ شرط مداخله‌گر: «خارج شدن بازار از روند طبیعی» موجب تشدید تعلیق تدبیر شده است.
- ✓ شرط زمینه‌ای: «تحلیل و پیش‌بینی ناپذیری» بازار سهام زمینه را برای تعلیق تدبیر فراهم کرد.

- راهبرد و تعامل: «بی‌توجهی به هشدارها» و «سرمایه‌گذاری بیشینه» تعاملات و راهبردهای کنش‌گران در قبال «تعلیق تدبیر» بوده است.
- ✓ دو مقوله «تجربه شکست» و «شکل‌گیری دوگانه ما (بازنده‌ها: مردم یا کنش‌گران خرد) و آن‌ها (برنده‌ها: دولت و حقوقی‌ها)» به مثابه پیامدهای «تعلیق تدبیر» هستند.

## ۶. نتیجه‌گیری

در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹، خصوصاً در سال ۱۳۹۹، اقبال عمومی بسیار قابل توجهی به بازار سهام در ایران شد و شاهد صعود و سقوط بسیار شدید در این دو سال بوده‌ایم و اقبال عمومی اولیه به خارج شدن از بازار توسط بسیاری از کنش‌گران خرد منتهی شد. پژوهش حاضر مبتنی بر منظر کنش‌گران خرد و با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای به دنبال بررسی فرایند رخ داده در بازار سهام ایران در طی این دو سال بوده است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که پدیده اصلی‌ای که می‌تواند این فرایند را توصیف و تبیین کند «تعلیق تدبیر» است. تعلیق تدبیر بدین معناست که کنش‌گران خرد بازار سهام در شهر مشهد که از منظر درونی‌شان صعود شدید بازار و همچنین دعوت‌های دولت به مشارکت مردم شاید عاقبت خوشی برایشان در این بازار به همراه نخواهد آورد، دست به سرمایه‌گذاری‌های گسترده در این بازار زدند. از نظر کنش‌گران خرد، برای رسیدن به اهداف اقتصادی گاهی باید تدبیر و عقلانیت را تعلیق کرد تا بتوان ثروت را چندین برابر کرد و از مشکلات اقتصادی ایجاد شده فاصله گرفت، اما نباید پدیده تعلیق تدبیر را برای مدت زیادی ادامه داد، بنابراین باید با «کسب ثروت سریع» و خارج کردن بخش قابل توجهی از سرمایه از بازار سهام، دوباره تدبیر را در زندگی جاری ساخت.

به بیانی دیگر مقوله «تعلیق تدبیر» را می‌توان چنین شرح داد که کنش‌گران تصور می‌کردند نقطه اوجی در بازار وجود دارد که باید در آن سهم‌ها را فروخت و از بازار خارج شد. در این فرایند بناست عقلانیت تا رسیدن به نقطه اوجی که اساساً در نگاهی عقلانی نامعلوم است تعلیق شود تا کنش‌گران در آن سهم‌های خود را بفروشند. اما این امر مغفول مانده است که از کجا باید

فهمید نقطه اوج کجاست؟ اگر نقطه اوج برای همگان روشن است، اساسا چرا افرادی باید در اوج سهم بخرند تا دیگران سود کنند و آنها متحمل ضرر شوند؟

بنابراین این شواهد بیان می‌کنند که کنش‌گران با نگرشی پسینی به واقعه نگاه می‌کنند و کارهای خود را اکنون حماقت و نادانی تلقی می‌کنند در حالیکه در آن زمان همه چیز عقلانی می‌نمود

می‌توان پژوهش حاضر را تعریضی بر نظریه‌های مرتبط با «انتخاب عقلانی» در جامعه‌شناسی قلمداد کرد. زیرا انتخاب عقلانی مدعی است کنش‌گران در همه موقعیت‌ها مبتنی بر عقلانیتی که به دنبال منفعت است، تصمیم‌گیری و انتخاب می‌کنند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در پاره‌ای از مواقع، شرایط و اقتضائات اجتماعی سبب می‌شود که کنش‌گران عقلانیت خود برای مدتی مورد تعلیق قرار می‌دهند. این امر به این معناست که گرچه کنش‌گران با حساب و کتاب وارد عرصه سرمایه‌گذاری می‌شوند اما از سویی این محاسبه‌های عقلانی با نگرش‌های کلی عقلانی پیشینی آنها پیرامون بازار سهام (نظیر اینکه دولت به مردم خیر نمی‌رساند یا بازار سرمایه در دست حقوقی‌هاست و...) در تعارض است. به نظر می‌رسد کنش‌گر برای حل این تعارض و رسیدن به سودهای هنگفت، در کنش خود عقلانیت پیشین خود را که ریشه‌دارتر است، مورد تعلیق قرار می‌دهد و دست به سرمایه‌گذاری با محاسبه‌ای می‌زند که این محاسبه برساختی از تبلیغات، فریب و... است محاسبه‌ای که برای مثال روند نزولی را برای بازار سهام اساسا غیرممکن تلقی می‌کند. از مهم‌ترین شواهد بر این امر اعتراف کنش‌گران در سال‌های بعد به اشتباه بودن سرمایه‌گذاری در بازار سهام در سال ۱۳۹۹ است.

## منابع

جهانگیری راد، مصطفی؛ مرفوع، محمد و سلیمی، محمدجواد. (۱۳۹۳). «بررسی رفتار گروهی سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه مطالعات تجربی

حسابداری مالی، دوره ۱۱، ش ۴۲، ۱۳۹-۱۵۶.  
۲۰,۱۰۰۱,۱,۲۸۲۱۰۱۶۶,۱۳۹۲,۱۱,۴۲,۶,۴

سارنج، علیرضا؛ رامشینی، محمود، علوی نسب، محمد و ندیری، محمد. (۱۳۹۶).  
«تحلیل دوره‌های رونق و رکود بازار سهام ایران مبتنی بر رویکردی ناپارامتریک»  
تحقیقات مالی، دوره ۱۰، ش ۴، ۵۳۵-۵۵۶.  
JFR.2018.252765.1006611/۱۰,۲۲۰۵۹

طباطبایی، الهام؛ ابراهیم‌نژاد، علی و طالبان، مسعود. (۱۴۰۰). «بررسی ارتباط خرید و  
فروش پرشدت سرمایه‌گذاران حقیقی و بازده سهام در بازار سهام ایران»، مدیریت  
دارایی و تامین مالی، سال نهم، ش ۳۲، ۱۱۳-۱۳۸.  
AMF.2021.126141.1610/۱۰,۲۲۱۰۸

نوغانی، محسن؛ محمدی، فردین و کرمانی، مهدی. (۱۳۹۹). خلاق نظریه در مطالعات  
کیفی (رویکردی کاربردی به نظریه زمینه‌ای)، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

Carlson, Mark. (2007). A Brief History of the 1987 Stock Market Crash with a Discussion of the Federal Reserve Response. *FEDS Working Paper*, No. 2007-13. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=982615>.

Carruthers, Bruce g (2009), **sociology of bubbles**, Contexts, vol. 8, No: 3, pp. 22-26.

Coleman, J and Fararo, T, (1992) (eds) *Rational Choice Theory*. New York: **Sage**.

Ge, Yidi, Qiu, Jiangnan, Liu, Zhiyong, Gu, Wenjing and Xu, Liwei. (2020), Beyond negative and positive: Exploring the effects of emotions in social media during the stock market

crash. *Information Processing & Management*, Volume 57, Issue 1. doi.org/10.1016/j.ipm.2020.102218.

Goedhart, Marc, Koller, Timothy and Wessels, David. (2005). Do Fundamentals or Emotions Drive the Stock Market?. *The McKinsey Quarterly*, Special Edition: Value and Performance.

Griffith, John, Najand, Mohammad and Shen, Jiancheng. (2019), Emotions in the Stock Market. *Journal of Behavioral Finance*. Vol 21. Issue 1, Pp: 56-82. doi.org/10.1080/15427560.2019.1588275.

Hasson, Jean-pierre. 2006. *Emotions on the Trading Floor: Social and Symbolic Expressions*. Katrin, Knorr and alex, Preda. *The Sociology of Financial Markets* (102-120). Oxford: Oxford University Press. /10.1093/oso/9780199275595.003.0006.

Hudson, Michael. (2010). From Marx to Goldman Sachs: The Fictions of Fictitious Capital, and the Financialization of Industry. *Journal of Socialist Theory*, Vol 38, PP: 419-444. doi.org/10.1080/03017605.2010.492685.

Krippner, Greta R and Alvarez, Anthony S. (2007). Embeddedness and the Intellectual Projects of Economic Sociology. *Annual Review of Sociology*, Vol 33, PP:219-240. doi.org/10.1146/annurev.soc.33.040406.131647.

Sato, Y, (2013), Rational choice theory. *Sociopedia.isa*.

Shiller, Robert J. (2019). *Narrative Economics: How Stories Go Viral and Drive Major Economic Events*. New Jersey: Princeton University Press.

Steiner, Philippe. (2010). *Durkheim and the Birth of Economic Sociology*. New Jersey: Princeton University Press.

Van der Veer, P, (2012) Market and money: a critique of rational choice theory. Epub: *Sage*. Volume 59, Issue 2. /10.1177/0037768612440960